

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

لوموند دیپلماتیک

## تنش میان افغانستان، هند و پاکستان

### رابطه‌های خطرناک در جنوب آسیا

نوشته Graham USHER

جنوری 2010

دسامبر ۲۰۰۸، آصف علی زرداری، رئیس جمهور جدید پاکستان که خواستار کمک بود اعلام کرد: «ما بیماران آسیا هستیم.» او سعی در خشکاندن سرچشمه‌ی جنبش اسلامی لشکر طیبه و وابسته‌هایش داشت که از سوی هند به ارتکاب حملات ۲۶ نوامبر بمبئی متهم شده بودند. آیا موفق خواهد شد؟ همه چیز به ارتشی بستگی دارد که بخشی از آن از تحاد میان دهلی نو، کابل و واشنگتن بر علیه اسلام‌آباد می‌هراسد.

از هفتم دسامبر ۲۰۰۸، در کشمیر آزاد (کشمیر تحت اشغال پاکستان)، نیروهای امنیتی یک قرارگاه آماده‌سازی مربوط به لشکر طیبه، گروه اسلام‌گرای پاکستانی، را بستند. دولت پاکستان، همچنین، جماعت الدعوه را غیر قانونی اعلام کرد که «نهاد دینی» لشکر طیبه است و در فهرست سازمان‌های تروریستی سازمان ملل متحد قرار دارد. صد دفتر بسته شدند و پنجاه تن از سران دستگیر شدند که آقایان زکی الرحمان لکهوی و زرار شاه از رهبران گروه اسلام‌گرا و همچنین آقای حافظ سعید، بانی این گروه و «امیر» جماعت الدعوه، در این بین بودند.

آقای سعید، پیش از دستگیری‌اش، تمام اتهامات را رد کرد و آنها را «تبلیغات هندی‌ها» خواند و وعده داد که به دادگاه عالی پاکستان از آنها شکایت خواهد کرد. اما مردم را به تظاهرات و ضد حمله با اعمال خشونت‌بار فرخواند. یکی از اعضای جماعت الدعوه اعلام کرد: «خواستار درگیری نیستیم. درک می‌کنیم که دولت باید روابط خوبی با هند داشته‌باشد.» سال ۲۰۰۲، لشکر طیبه و دیگر گروه‌های تندروی پاکستانی، پس از متهم شدن از سوی هند به حمله به مجلس این کشور، غیرقانونی اعلام و دو هزار تن از هوادارشان دستگیر شدند. بیشتر آنها، همان سال، آزاد شدند. ارتش پاکستان، تنها نهاد سیاست‌گذار علیه گروه‌های «منوع شده»، می‌تواند تصور کند که بار دیگر از طوفان عبور خواهد کرد. به هر حال، احتمال وقوع دوباره‌ی آن کم است. هند و ایالات متحده‌ی آمریکا «سیاست فشار» را علیه اسلام‌آباد در پیش گرفته‌اند. آنان

مصمم به قطع تمام روابط شکل گرفته سرویس‌های اطلاعاتی پاکستان (ISI, services secrets pakistanais) و گروه‌هایی همچون لشکر طیبه شده‌اند. در نهایت، همه چیز به پاسخ ارتش بستگی دارد.

باید به خاطر داشت که ارتش طیبه، در ۱۹۸۹، برای پیش برد نبردی تاسیس شد که «جنگ‌های وکالتی» پاکستان در افغانستان و کشمیر نامیده می‌شود. کشمیر منطقه‌ای در هیمالیا است که پس از تجزیه مورد ادعای دهلی نو و اسلام‌آباد و منشا سه جنگ بین دو دولت بوده است. هدف لشکر طیبه چیست؟ تشکیل «دولت اسلامی ناب» در جنوب آسیا که شامل هند نیز می‌شود. هدف سرویس‌های اطلاعاتی پاکستان چیست؟ استفاده از میانجی‌ها برای «تکله کردن» هند و به زانو درآوردن آن در منطقه تحت کنترل هند در کشمیر (جامو و کشمیر).

در دهه ۱۹۹۰، روابط میان سرویس‌های اطلاعاتی و سازمان آشکار بود. لشکر طیبه از سراسر پاکستان، به ویژه در پنجاب (محلی که گمان می‌رود خاستگاه بیشتر طراحان حمله بمبئی بود)، سربازگیری کرد. در ۱۹۹۹، آنها در کنار سربازان پاکستانی، در کارگیل (در جامو و کشمیر) جنگیدند: این سومین و آخرین باری بود که ارتش‌های هند و پاکستان سعی در حل درگیری با جنگ داشتند. اما، پس از حمله به مجلس هند در ۲۰۰۱، وضعیت - دست کم در ظاهر - دگرگون شد. هند و پاکستان، ابتدا، تا مرز جنگ پیش رفتند و سپس آتش بس را امضا کردند. در ۲۰۰۴، حتی روند صلح را در پیش گرفتند.

سرویس‌های اطلاعاتی دوازده هزار رزمجو را در کشمیر آزاد زمین‌گیر کرد. شش لشکر از مرزهای شرقی با هند به مرزهای غربی با افغانستان رفتند که اسلام‌آباد در آنجا با شورش طالبان پاکستان مبارزه می‌کرد. بنابراین، نفوذ در جامو و کشمیر رخ نداد.

با این همه، «جنگ وکالتی»، به ویژه از سوی گروه‌هایی همچون لشکر طیبه، ترک نشد. پایگاه‌های آنان به داخل سرزمین یا مرز کشمیر آزاد منتقل شد و تحت عنوان «مراکز» جماعت الدعوه بازسازی گردید. از آن جایی که مبارزان جهادی، در زمین لرزه ۲۰۰۵ کشمیر، بهترین نجات‌گران بودند، به یکی از ژنرال‌های ارتش پاکستان خاطر نشان شد که این دلیل روشنی بر عدم «زمین‌گیر» شدن جهادگران است. وی جواب دندان شکنی داد: «آنان را تار و مار نکردیم. اگر این کار را می‌کردیم، این خطر بود که کشمیر اهمیتش را از دست بدهد و برای همیشه به اشغال هند درآید (1).

سال ۲۰۰۸، تعداد فزاینده‌ای از مبارزان از خط کنترلی گذشتند که کشمیر را تقسیم می‌کند و درگیری‌های پراکنده‌ای را دامن زدند. مسئولان سربازگیری لشکر طیبه و جماعت الدعوه دوباره در پنجاب ظاهر شدند و خبر از جنگ مقدس می‌دادند. این تابستان، در مراسم خاک‌سپاری در بهاولپور، یکی از مبلغان جماعت الدعوه ثنای «شصت شهید» برخاسته از این منطقه را گفت که اغلب در کشمیر کشته شده‌بودند.

خط سیاسی جدیدی که بی شک از سوی سرویس‌های اطلاعاتی هدایت می‌شود، در دوره مهلت میان پایان حکومت نظامی ژنرال پرویز مشرف و استقرار دولت غیرنظامی جدید، در فوریه ۲۰۰۸، پیاده گردید (۲). به هر حال، این امر راه پیمایی‌های گسترده برای استقلال را توجیه نمی‌کند که تابستان ۲۰۰۸ اوضاع جامو و کشمیر را متشنج کرد و ناشی از ناراضیاتی بومیان مسلمان از هند بود.

در حقیقت، سرویس‌های اطلاعاتی، به خاطر افغانستان، تسلط بر لشکر طیبه را به کناری نهاد. طی دو سال گذشته، تلفات ارتش پاکستان در درگیری با مبارزان اسلام‌گرا، در مرز افغانستان، بیش از هزار سرباز بوده است. مرکز آشوب در مناطق قبیله نشین پشتون است که در منطقه گسترش یافته و به خط معروف دوران نیز کشیده شده است. انگلیسی‌ها، در قرن نوزدهم، این خط را به عنوان مرز غربی پاکستان، هنگام جدایی، در نظر گرفتند و هیچ دولت افغانی آن را به رسمیت نمی‌شناسد. بنابراین، به گفته یکی از افسران پاکستانی، شکست در این نواحی به منزله ظهور ناگهانی «دولت» اسلامی پشتون «مستقل» است.

به این ترتیب، عملکرد پاکستان شکل واحدی ندارد. در نواحی قبیله نشین باجور، هدف بمباران هوایی تنبیهی، به همراه حمله‌های ناگهانی زمینی، بازپس‌گیری مناطق اشغال شده توسط «دشمنان» است. در وزیرستان شمالی و جنوبی، اغلب با میانجی‌گری رهبران طالبان، آقای جلال الدین حقانی و پسرش سراج‌الدین، قرارداد آتش بس با اعضای قبایل طرفدار طالبان

امضا شده است. ارتش ادعا می‌کند که توان «برخورد همزمان با تمام گروه‌های طالبان را ندارد. اگر با همه وارد جنگ شویم، تسلط به دست آمده را از دست خواهیم داد.» به علاوه، ارتش چنین برآورد می‌کند که شورش ضد پاکستان از سوی طالبان پاکستان و اعضای القاعده هدایت می‌شود و «سازمان‌های اطلاعاتی» هندی و افغان از آن حمایت می‌کنند. در هر دو وزیرستان، قبایل از طالبان حمایت می‌کنند، اما برخلاف مبارزان باجور، دشمن پاکستان نیستند. به گفته یکی از افسران «ما یک ملت هستیم.»

دهلی نو نیز به سهم خویش، هرگونه دخالت در مناطق قبیله نشین را نفي می‌کند. سیاست‌مداری هندی می‌گوید: «در افغانستان، جاده می‌سازیم.» در حقیقت، هند و ایران یک شبکه راه می‌سازند. دهلی نو همچنین، در آماده سازی ارتش افغانستان و دفتر دریافت عوارض کالا در کابل دو میلیارد و صد میلیون دلار کمک می‌کند.

### زخم باز کشمیر

از نظر برخی مسئولان نظامی، دولت هند تاثیر زیادی در سیاست ایالات متحده آمریکا در افغانستان دارد. به عنوان نمونه دو مورد بیان می‌شود. مورد اول، وابستگی واشنگتن به نظریه هند درباره «دخالت» سرویس‌های اطلاعاتی پاکستان در انفجارهای ژوئیه ۲۰۰۸ سفارت آمریکا در کابل است که در آن پنجاه تن جان خود را از دست دادند. از آن پس، سازمان اطلاعاتی آمریکا، سیاه، تصمیم گرفت که دیگر با سرویس‌های اطلاعاتی پاکستان به تبادل اطلاعات نپردازد. دومین مورد تجاوز نیروهای ویژه آمریکایی مستقر در افغانستان به خاک پاکستان، بیشتر به دو وزیرستان، در ژوئیه گذشته است. به عقیده سازمان سیا این مناطق آرامشگاه القاعده و طالبان، مکانی برای سربازگیری جهادگرایان است.... همچنین، جزو معهود مناطقی است که ارتش پاکستان و طالبان با یکدیگر درگیر نمی‌شوند.

واشنگتن مدعی است که دولت پاکستان موافقت «تاکتیکی» خود را با مبارزانها اعلام کرده بود. اسلام آباد تکذیب کرد. ارتش تأیید می‌کند که این به معنای نقض حاکمیت کشور «بی فایده» است. همچنین به نقش دهلی نو نیز اشاره می‌کند. یکی از سخنگویان نیروهای امنیتی می‌گوید: «آمریکایی‌ها می‌خواهند هند برتری خود را بر منطقه تحمیل کند.» از سوی دیگر، تعداد بسیاری از «نظامیان در مناطق قبیله نشین از هند و افغانستان کمک مالی می‌گیرند.»

هدف چیست؟ به عقیده ارتش دو سناریو این دخالت‌ها را توجیه می‌کند. طبق فرضیه میان‌سروتر، دخالت‌ها به منظور ایجاد آشوب در مناطق قبیله نشین است تا سیاه، نیروهای سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) و ارتش افغانستان این مناطق را اشغال کنند و همچنین سرزمین‌های پشتون را که از مدت‌ها پیش مورد ادعای کابل بود دوباره تصرف کنند. در فرضیه دوم (تندرو تر)، هدف تضعیف توان هسته‌ای تنها دولت مسلمان مجهز به سلاح اتمی می‌باشد. یکی دیگر از اعضای نیروهای امنیتی، در تأیید این گفته، می‌افزاید: «به تصور هند، پاکستان چند پارچه کمتر تهدیدکننده است.» تحلیل‌گری پاکستانی که نخواست نامش فاش شود تأیید می‌کند: «هرچه بیشتر با مقامات [نظامیان] صحبت می‌کنم، بیشتر یقین می‌کنم که نفرت و ترس از هند گسترش یافته است. از این پس، هند متحد آمریکا می‌شود.»

آیا این امر نشانه آن است که سرویس‌های اطلاعاتی پاکستان در حملات به بمبئی یا کابل دست داشته‌اند؟ الزاماً چنین نیست: این امر، به سادگی، نشان دهنده بی احتیاطی پاکستانی‌ها در استفاده از واسطه‌ها یا متحدین پنهانی است که اسلام‌آباد توانایی تسلط بر آنها را ندارد. فقط پیروان نظریه دسیسه فکر می‌کنند که این فجایع در جهت منافع منطقه‌ای پاکستان هستند. بی‌شک، این حملات نیز در خدمت مبارزان طرفدار «حرکتی استقلال‌طلب» در مناطق قبیله‌نشین (همچون طالبان و القاعده) یا پیروان «برخورد تمدن‌ها» بین هندوها و مسلمانان در جنوب آسیا (همچون لشکر طیبیه) است.

این بار، حذف لشکر طیبیه- جماعت الدعوه توسط دولت پاکستان می‌تواند قطعی باشد. اما، بی‌شک، «سیاست اجبار» کمکی نخواهد کرد. همچنین منطقی نیست واشنگتن و لندن با دولت غیرنظامی جدید که ضعیف است تباخی کنند تا سیاست دفاع ملی

پاکستان را از دست ارتش و سرویس‌های اطلاعاتی بیرون آورند. طی سی سال، افغانستان، هند و سلاح‌های اتمی ملک طلق آنان بوده‌است. آنان، با توجه به مرزهای ملتهب غربی و ناآرام شرقی، آن را رها نمی‌کنند.

برای آن که ارتش تسلطش بر سیاست‌ها را رها کند، باید به نگرانی‌های منطقه‌ای آن پاسخ داد. در رابطه با افغانستان، این بدان معنی است که کابل و ایالات متحده آمریکا خط دوراند را به عنوان مرز قانونی پاکستان بشناسند و تمامی عملیات‌های ضد آشوب در خاک پاکستان حق مطلق ارتش این کشور شناخته شود. در رابطه با هند نیز باید بر حل مسئله کشمیر تأکید شود. تحلیل‌گری معتقد است که دو مشکل باهم در ارتباط هستند. وی می‌افزاید: «تجربه جدید ارتش با هند بسیار ناراحت‌کننده است. پس از ۲۰۰۴، ارتش نود و پنج درصد نفوذ مبارزان در کشمیر را کاهش داده‌است. هند در پاسخ از کشمیر سخنی نگفت و اعلام کرده که مشکل حل شده‌است. ارتش تصور می‌کند که در صورت رها کردن طالبان در افغانستان، هند به آنجا نیز نفوذ پیدا خواهد کرد.» پیش از حملات بمبئی، منحصمان تنها کسانی نبودند که این ارتباط را باور داشتند. سال گذشته، آقای باراک اوباما که در آن زمان، فقط نامزد ریاست جمهوری آمریکا بود، می‌نویسد: «اگر پاکستان بتواند با اعتماد به شرق بنگردد، گرایش کمتری به باور این امر وجود خواهد داشت که برای رسیدن به خواسته‌هایش باید با طالبان همکاری کند(۳)». کمی بعد، رئیس‌جمهور جدید تأکید کرد که صلح میان هند و پاکستان دست‌ضروری است. قطع رابطه میان دهلی نو و اسلام‌آباد که شاید مسبب حملات بمبئی بوده‌باشد بسیار خطرناک به نظر می‌رسد.

۱- این جمله و دیگر نقل قول‌ها از نظامیان و سخنگویان نیروهای امنیتی از گفتگوهای اسلام‌آباد در سپتامبر ۲۰۰۸ برگرفته شده‌اند.

- Lire Jean-Luc Racine, « Au Pakistan, un président sous influences », Le Monde diplomatique, ۲ novembre 2008.

- Barack Obama, « Renewing American leadership », Foreign Affairs, New York, juillet août ۲ 2007